



ترجمه

شرلی جکسن

گردآورنده استنلی ادگار هایمن

همراه من بیا

چند بخش از یک رمان، چهارده داستان کوتاه
و سه سخنرانی همراه با دو داستان

ترجمه‌ی بهرام فرهنگ

- جهان‌نو -

فهرست

۹.....	مختصری درباره‌ی شرلی جکسن
۱۳.....	پیش‌گفتار مؤلف
۱۵.....	همراه من بیا
۵۱.....	چهارده داستان
۵۳.....	جنیس
۵۵.....	در به‌دردی توتی
۶۳.....	گل‌کلمی به موهایش
۶۹.....	می‌دانم چه کسی را دوست دارم
۸۴.....	غریبه‌ی زیبا
۹۴.....	خانه‌ی بیلاقی
۱۱۱.....	جزیره
۱۲۶.....	دیدار
۱۵۳.....	صخره
۱۷۵.....	یک روز در جنگل
۱۹۱.....	پیژامه‌پارتی
۲۰۶.....	لوتی‌زا، خواهش می‌کنم برگرد
۲۲۶.....	خانه‌ی کوچک
۲۳۷.....	اتوبوس
۲۵۳.....	سه سخنرانی، همراه با دو داستان
۲۵۵.....	تجربه و داستان

۲۶۸ شبی که همه مان آنفلوآنزا گرفته بودیم
۲۷۵ بیوگرافی یک داستان
۲۹۲ بخت‌آزمایی
۳۰۳ توصیه‌هایی به نویسندگان جوان

مختصری درباره‌ی شرلی جکسن

شرلی جکسن^۱ در سال ۱۹۱۶ در شهر سانفرانسیسکو به دنیا آمد. در دوران کودکی خاطراتش را می‌نوشت و در نوجوانی به نوشتن داستان کوتاه و شعر علاقه‌مند شد. در هفده‌سالگی با خانواده‌اش به شهر روچستر [ایالت] نیویورک نقل مکان کرد و در دانشگاه پژوهشی سیراکیوز در رشته‌ی زبان انگلیسی مشغول به تحصیل شد.

نخستین داستانش، جنیس را در سال ۱۹۴۰ در نشریه‌ی دانشگاه منتشر کرد، دبیر بخش داستان آن نشریه شد، و در همان دوران با همسر آینده‌اش استنلی ادگار هایمن (یکی از همکلاسی‌هایش که بعدها منتقد ادبی سرشناسی شد) آشنا شد. در سال ۱۹۴۰، پس از آن‌که هر دو فارغ‌التحصیل شدند ازدواج کردند و به دهکده‌ی گرینویچ نیوانگلند، و سپس، در سال ۱۹۴۵، به خانه‌ی قدیمی بزرگی در بنینگتن شمالی واقع در ایالت ورمونت نقل مکان کردند. شرلی جکسن و شوهرش با برخی از جذاب‌ترین شخصیت‌های ادبی دوران خود، از جمله رالف الیسون، ج. د. سلینجر، برنارد مالامود، هاوارد نمرف و دیلین توماس دوست بودند و پیاپی آنان را به میهمانی‌های خانگی پُرشور خود دعوت می‌کردند. شرلی جکسن تا پایان عمر با شوهر و چهار فرزندش در آن خانه، در میان حدود سی هزار جلد کتاب زندگی کرد. او در سال ۱۹۶۵ (در چهل و هشت‌سالگی) در خواب دچار حمله‌ی قلبی شد و درگذشت.

1. Shirley Hardie Jackson